

تبیین جایگاه مادر براساس آیه ۱۵ سوره احقاف از منظر آیت الله جوادی آملی

فاطمه حسینی نسب^۱

چکیده

موضوع مادر و جایگاه آن همواره بین عالمان و بزرگان دین مورد توجه ویژه بوده است و مطالب مهم و موثری در این باره ارائه شده. از بزرگان و فقیهانی که در مناسبت های گوناگون و کتاب های مختلف در مورد این مساله نظرات مفیدی بیان فرموده اند حضرت آیت الله جوادی آملی است که در این تحقیق به گوشه ای از نظرات ایشان اشاره می کنیم : مهمترین، اصلی ترین، عمیق ترین وظیفه زن، مادر شدن است. جامعه را زن تربیت می کند. این هفت سالی که کودک در اختیار اوست از هر دانشکده ای قوی تر است. در طی این هفت سال وقتی زن نماز می خواند، همین که این بچه به زبان می آید او را در کنار سجاده اش می گذارد و یک مهر برایش می گذارد و نمازخوان تربیت می شود. در کتاب خانواده متعادل میخوانیم که خدای سبحان و دین وظایف و دستورها و راهنمایی هایی سی ماهه برای مادر مقرر کرده و با او سخن گفته. این سی ماه حداقل دوران حمل (شش ماه) و حداکثر آن (نه ماه) است و دوسال نیز دوران شیرخوارگی کودک: (وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ) که روی هم سی ماه می شود. در این سی ماه که مستقیماً کودک از مادر تغذیه میکند مادر مسئول حفظ دو نفر است و دو تکلیف دارد. یکی برای خود و دیگری برای کودک. پدر در اصل نطفه باید حلال بخورد و اگر بعداً مبتلا به حرام شود، تنگاتنگ با پرورش کودک ارتباط ندارد، زیرا غذای حرام پدر در جهاز گوارشی او هضم می شود اما غذای مادر در دستگاه گوارشی اش شیر می شود و کودک تغذیه می کند. او بایستی به کودک حلال بدهد و خود حلال بخورد. این در مورد تغذیه جسمانی است. در غذای روحانی نیز چنین است که اگر مرد خاطره بدی، خیال و هوس بدی در سر پیرواند خود را می سوزاند و خیال گناه و خاطره تلخ در درون مرد ضد خود اوست اما خیال باطل و حرام و اندیشه گناه و خاطرات تلخ برای زن، ضد دو نفر است. نقش مادر تنها پاسخ نیازهای جسمی کودک نیست، بلکه در پس این ها پایه های شخصیتی وی شکل می گیرد و چون چنین نقشی را در تعامل با فرزند ایفا می کند، باید شخصیتی آرام و آرامش بخش داشته باشد. زن در این مرحله مظهر خلاقیت خدای والا و تجلی گاه اوصاف دل انگیز خدایی چون رحمت، عطوفت و رأفت است زیرا پروردن چیزی بدون این اوصاف به سامان نمی رسد و به سخن دیگر ایجاد فرزندى که مایه نشاط و شادى باشد بی این ویژگی ها شدنى نیست و به همین جهت است آنان که فرزند را در دسر آفرین می دانند در پی تکثیر نسل نیستند.

کلید واژه ها: مادر، بارداری، وضع حمل، شیردهی، احقاف.

^۱ سطح دو . حوزه حضرت زینب (سلام الله علیها) رفسنجان .

مقدمه

چگونه می توان به توصیف مادر پرداخت؟ کدام واژه ها توان بیان **عشق یک مادر**، محبت بی دریغ و فداکاری های او را دارند؟ بی شک که قابل انجام شدن نیست و اگر حرفی گفته می شود، تنها بخش کوچکی از الطاف مادرانه را شرح می دهد. مادر نامی است که به خانواده مفهوم می بخشد. درهر آیین و مذهبی **مقام مادر** ارزش بسیاری دارد. اما در دین اسلام این ارزش به شکلی فوق العاده و منحصر به فرد بیان شده است. به گونه ای که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرمایند: **الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمّهَاتِ**: بهشت زیر قدم های مادران است. (بروجردی، ۱۳۸۰هـ، ۱۴۲۲هـ ق، ج ۲۶، ص ۸۹۰؛ نوری، ۱۴۰۸ هـ ق، ج ۱۵، ص ۱۸۰)

توجه به مقام مادر و عظمت رنجی که برای فرزند تحمل کرده زمینه ساز آشنایی با جایگاه مادر است، ازاین رو امام سجاد علیه السلام فرمودند: **فَحَقَّ أُمّكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ أَطْعَمَتْكَ مِنْ ثَمَرَةٍ قَلْبِهَا مَا لَا يَطْعِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ أَنَّهَا وَقَّتْكَ بِسَمْعِهَا وَ بَصَرِهَا وَ يَدِهَا وَ رِجْلِهَا وَ شَعْرِهَا وَ بَشَرِهَا وَ جَمِيعِ جَوَارِحِهَا مُسْتَبْشِرَةً بِذَلِكَ فَرِحَهُ مُوَابِلَةً مُحْتَمِلَةً لِمَا فِيهِ مَكْرُوهُهَا وَ أَلَمُهَا وَ ثَقْلُهَا وَ غَمُّهَا حَتَّى دَفَعَتْهَا عَنْكَ يَدُ الْقُدْرَةِ وَ أَخْرَجَتْكَ إِلَى الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ أَنْ تَشْبَعَ وَ تَجُوعَ هِيَ وَ تَكْسُوكَ وَ تَعْرَى وَ تُرْوِيكَ وَ تَظْمَأُ وَ تُظْلِكَ وَ تَضْحَى وَ تُنْعَمَكَ بِبُؤْسِهَا وَ تُلَذِّذَكَ بِالنَّوْمِ بِأَرْقِهَا وَ كَانَ بَطْنُهَا لَكَ وِغَاءً وَ حَجْرُهَا لَكَ حِوَاءً وَ ثَدْيِهَا لَكَ سِقَاءً وَ نَفْسُهَا لَكَ وِقَاءً تُبَاشِرُ حَرَّ الدُّنْيَا وَ بَرْدَهَا لَكَ وَ دُونَكَ فَتَشْكُرُهَا عَلَى قَدَرِ ذَلِكَ وَ لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ تَوْفِيقِهِ.** (شیخ صدوق، ۱۳۶۳هـ، ۱۴۰۴هـ ق، ج ۲، ص ۶۲۱)

یعنی : حق مادرت این است که بدانی او تو را به گونه ای حمل کرد که هیچکس دیگری را چنین حمل نمی کند و به تو از ثمره قلب خود چیزی عطا کرد که هیچکس به دیگری نمی دهد و از تو با همه اعضای بدن خود محافظت کرد و باکی نداشت که خود گرسنه باشد و به تو غذا دهد یا تشنه باشد و تو را سیراب کند یا خودش عریان باشد و تو را بپوشاند یا خود در آفتاب باشد و تو را در سایه قرار دهد و برای تو از خویش بگذرد و تو را از سرما و گرما حفظ کرد تا برای او باشی. بدان که توان شکر او را نداری جز به یاری خدا و توفیق او. (جوادی آملی، مفاتیح الحیاء، ۱۳۹۱هـ، ص ۲۲۲)

امام باقر علیه السلام می فرمایند: حضرت موسی ابن عمران سه بار به خدا عرض کرد: پروردگارا به من توصیه ای کن! خدای سبحان هر سه بار فرمود: تو را به خودم سفارش میکنم. آنگاه عرض کرد: پروردگارا مرا سفارش کن! فرمود: تو را سفارش میکنم به مادرت. سپس عرض کرد: پروردگارا مرا سفارش کن! فرمود تو را به پدرت سفارش میکنم امام باقر علیه السلام افزود: از همین رو گفته می شود که حق مادر از نیکی دو سوم و

برای پدر یک سوم است. (صدوق، ۱۳۷۶ه.ش، ص ۵۱۱) هرچند در احادیث شریف بر نیکی به مادر بیشتر از نیکی به پدر توصیه شده است، در این حدیث مبارک این احتمال وجود دارد که توصیه یاد شده به حضرت موسی به جهت ویژگی مادر آن گرامی است. (جوادی آملی، مفاتیح الحیاة، ۱۳۹۱ه.ش، ص ۲۲۳)

آیه پانزدهم سوره احقاف بلافاصله پس از سفارش انسان به والدین از سختیهای پیش روی مادران در مسیر فرزندپروری یاد میکند.

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (احقاف/۱۵)

یعنی: و ما انسان را به احسان در حق پدر و مادر خود سفارش کردیم، که مادر با رنج و زحمت بار حمل او کشید و باز با درد و مشقت وضع حمل نمود و سی ماه تمام مدت حمل و شیرخواری او بود تا وقتی که طفل به حد رشد رسید و آدمی چهل ساله گشت (و عقل و کمال یافت آن گاه سزد که) عرض کند: بار خدایا، مرا بر نعمتی که به من و پدر و مادر من عطا فرمودی شکر بیاموز و به کار شایسته‌ای که رضا و خشنودی تو در آن است موفق دار و فرزندان مرا صالح گردان، من به درگاه تو باز آمدم و از تسلیمان فرمان تو شدم.

این آیه باتوجه به موضوع پژوهش به پنج قسمت اصلی تقسیم می شود که برای هرکدام از آن ها به اختصار توضیحاتی آورده شده است:

۱. بارداری

۲. وضع حمل

۳. شیردهی

۴. تربیت بعد از دوسالگی

۵. شکر نعمت وجود مادر و کسب رضایت او

۱. بارداری: حَمَلَتُهُ أُمَّهُ كُرْهًا

کُره به معنای سختی درونی و کُره سختی از بیرون است. (مفردات راغب)

بسیاری نیروی بدنی قوی دارند اما کارهای دشوار جامعه به عهده آنها نیست چون از نظر درک ضعیف اند. بنابراین هرکس بازوان و بدن نیرومندتری دارد ناگزیر بهتر نمی اندیشد. در کارهای محکم دارندگان بدن متصلب بیشتر سهم دارند اما ظریف کاری جامعه را به عهده کسانی می سپارند که از ظرافت بدنی بیشتری بهره دارند. ممکن است زن نتواند باری سنگین تر از بار مرد یا معادل او بردارد اما بارداری کودک نیز کار آسانی نیست. بعضی قدرت بر حِمْل دارند و برخی در حَمْل قوی هستند. حِمْل باری روی دوش است و حَمْل باری در درون آدم. زن ها حَمَلًا قوی هستند و مردها حِمَلًا قوی. قرآن کریم هر دو اصطلاح را یاد کرده است. تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا (حج/۲) یعنی: هر آبستنی بار خود را فرومی نهد. وَ إِنْ تَدْعُ مِثْقَلَهُ إِلَى حِمْلِهَا (فاطر/۱۸) یعنی: و اگر فردی گرانبار کسی را برای برداشتن بار خود فراخواند. اگر زن در حِمْل مثل مرد نیست، مرد هم در حَمْل مثل زن نیست و اصلاً توان آن را ندارد و صالح برای آن نیست.

پس از نخستین ساعات بارداری جنین نیروهای مادر را می مکد و او را در معرض ناراحتی ها و خطرهای قرار می دهد و هرچه زمان بارداری پیش تر رود، سختی های بدنی که مادر تحمل می کند افزوده تر می شود و ترس ها و اندوه های بیشتر بر او عارض می گردد. (مدرسی، ۱۳۷۷ه.ش، ج ۱۳، ص ۱۴۴)

قرآن ضمن سفارش به گرمی داشتن پدر و مادر، زحمات مادر را که زایمان و شیر دادن است و منشأ اصلی آن رحم است یادآور می شود. وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا... وَ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ ...

۲. وضع حمل: وَضَعَتْهُ كُرْهًا

حق مادر به قدری گسترده و مهم است که حتی از پدر برتر است. ازاین رو رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: هرگاه در نماز مستحب بودی و پدرت تو را خواند، نمازت را قطع نکن ولی اگر مادرت تو را فراخواند، نمازت را قطع و اجابتش کن. (اذا كنت في صلوٰه التطوع، فان دعاك والدك فلا تقطعها، و ان دعتك والدتك فاقطعها). (نوری، ۱۴۰۸ ه.ق، ج ۱۵، ص ۱۸۱)

در تفسیر نمونه در بیان مفهوم این قسمت از آیه آمده است که: دوران وضع حمل که یکی از سخت ترین لحظات زندگی مادر است، فرا می رسد تا آنجا که گاه مادر جان خود را بر سر فرزند می نهد.

و گاه درد زایمان چنان سخت است که مادر می گوید: کاش پیش از این مرده و به فراموشی سپرده شده بودم. و سپس این حادثه بارداری در مدتی کوتاه پایان نمی پذیرد بلکه در طول ماه های متعدد ادامه دارد و همین بر مقدار دینی که نوزاد به مادر خود دارد می افزاید. (مدرسی، ۱۳۷۷هـ.ش، ج ۱۳، ص ۱۴۴)

هرگاه زن در ایام زایمان یا نفاسش بمیرد، روز قیامت نامه عملش را نگشایند. یعنی از او حساب گرفته نمی شود و بدون حسابرسی به بهشت می رود زیرا ناراحتی زایمان او را از گناه پاک ساخته است. (شیخ صدوق، ۱۳۶۳هـ.ش، ج ۱، ص ۱۳۹)

درباره قصه حضرت آدم علیه السلام و حوا آمده است: خداوند فرمود: ای حوا! هرزنی که درد زایمان او را بگیرد پاداش شهید برایش می نویسم. اگر سالم بماند و زایمان کند، گناهانش را برایش می آمرزم- گرچه به اندازه کف دریا و ریگ بیابان و برگ درختان باشد و اگذ بمیرد، شهید می گردد و فرشتگان به هنگام قبض روحش نزد وی حاضر می شوند و او را به بهشت بشارت می دهند و در آخرت او را نزد شوهرش می برند و هفتاد برابر برتر از حورالعین است. حوا گفت: آنچه دادی مرا کافی است. (نوری، ۱۴۰۸هـ.ق، ج ۱۵، ص ۲۱۴)

۳. شیردهی: حَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا

شیر دادن به طفل مهم ترین امری است که هر کودکی دوسال از دوران نوزادی به آن احتیاج دارد و شیر مادر از هر شیر دیگری به او سازگارتر است. شیر دادن مادر به کودک برخلاف نماز و روزه حکم الله نیست بلکه حقی است از خدا برای مادر کودک که طبق بعضی ادله دیگر رجحان هم دارد. (جوادی آملی، خانواده متعادل، ص ۳۳۳)

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ. یعنی مادرانی که می خواهند بر اساس حق الحضانه و حق الرضاع دوران شیردهی نوزاد را تمام کنند، می توانند دو سال کامل (بیست و چهار ماه قمری) او را شیر دهند. این حکم ارشادی است نه مولوی یعنی مصلحت کودک می طلبد که دو سال کامل از شیر مادر بخورد. زیرا شیر مادر برای تأمین سلامت او بسیار موثر است و در مسائل روانی و اخلاقی اش نیز بی اثر نیست. پس بر مادران واجب نیست که نوزاد را دوسال کامل شیر دهند، چنان که هیچ فقیهی به آن فتوا نداده است. پس احتمال دارد که شیر دادن مستحب مولوی باشد. (جوادی آملی، خانواده متعادل، ص ۳۳۳)

اگر مادری بداند که اندیشه هایش در کودک اثر می گذارد، اندیشه ها و بینش های خود را تعالی می

۵. شکر نعمت وجود مادر و کسب رضایت او:

(أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ) اوزعنی ایجاد علاقه و عشق برای انجام کاری است که به آن توفیق الهی گویند. احسان به والدین از جایگاه ویژه ای نزد خداوند برخوردار است. در قرآن ۵ بار کلمه وصینا به کار رفته است که سه بار آن مربوط به والدین است. (عنکبوت/۸؛ لقمان/۱۴؛ احقاف/۱۵) و مادر که به دلیل دشواری دوران بارداری و شیردهی حق ویژه ای بر فرزند داشته و باید نسبت به او بیشتر احسان کرد. چنانچه در روایات تأکید بیشتری در مورد احسان به مادر شده است. توجه به سفارش اکید خداوند به زحمات گذشته مادر، احسان و خدمت کردن به او را عاشقانه تر و جدی تر می کند. یاد رنج و زحمت های مادران در برانگیختن عاطفه فرزندان موثر است. به همین علت خدا در قرآن از آن یاد کرده است. (قرائتی، ۱۳۷۴ ه. ش، ج ۹، ص ۴۶)

مادر در مدتی تقریباً برابر ۹۰۰ روز به نوزادش مشغول و گرفتار است. آیا بر فرزند شایسته نیست که در آن هنگام که نیروی مادرش رو به کاستی می رود و پیشرفت عمر به او آزار می رساند، در حق او احسان و نیکی کند؟؟؟ (مدرسی، ۱۳۷۷ ه. ش، ج ۱۳، ص ۱۴۴)

خدا برای اینکه غریزه رحمت و رأفت انسان را برانگیزد تا به دنبال آن انسان نسبت به والدین (خصوصاً مادر) خود احسان داشته باشد به ناراحتی هایی که مادر در دوران حاملگی و شیردادن تحمل می کند، اشاره دارد. حَمَلْتَهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعْتَهُ كُرْهًا... (طباطبایی، ۱۳۷۸ ه. ش، ج ۲۶۶، ص ۳۰۷)

پس از بیان اهمیت شکر نعمت مادر و یادآوری رنج و زحمات او آوردن چند روایت در بیان اهمیت جایگاه مادر خالی از لطف نیست:

روزی فردی به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گفت: من مادر پیرم را به پشتم حمل میکنم و از روزی ام به او می خورانم. آیا حق مادرم را به جا آورده ام؟ پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: نه، زیرا که مادرت نیز تورا حمل کرد و نیز از شیر جانش به تو خورانید. بنابراین هرچه انسان در دوران پیری در حق مادر بکوشد، مادر نیز در دوران کودکی آن را برای فرزند انجام داده است. در ادامه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: وَ كَأَن تَصْنَعُ ذَلِكَ لَكَ وَ هِيَ تُحِبُّ مَمَاتَهَا. یعنی: مادرت در تمامی مراحل کارهایی که برای تو می کرد آرزوی زنده ماندن را می کرد، در حالی که تو آن کارها را می کنی و آرزوی مرگ مادر پیرت را داری. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ ه. ق، جلد ۱۵، ص ۱۷۹)

در کتاب فقه الرضا آمده است: ای موسی اگاه باش که رضای مادر رضای من است و خشم او خشم من

است.

در روایتی آمده که روزی فردی از پیامبر صلی الله علیه وآله پرسید: ما حَقَّ الوَالِدَه؟ پیامبر صلی الله علیه و آله جواب دادند: اگر فرزند به تعداد ریگ های بیابان و قطره های باران در جهان در ادای حق مادر بکوشد، معادل روزی که مادر فرزندش را در شکمش حمل می کرد نمی شود. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸هـ، ج ۱۵، ص ۲۰۳)

مردی مادر پیر خود را بر دوش گرفته و به طواف مشغول بود. در همین هنگام خدمت پیامبر صلی الله علیه وآله رسید. عرض کرد: آیا حق مادرم را توانستم ادا کنم؟ پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: نه، حتی یک نفس او را جبران نکردی. (قطب، ج ۷، ص ۴۱۵)

شخصی از محضر پیامبر صلی الله علیه وآله سوال کرد: یا رسول الله حق کدام یک از پدر و مادر عظیم تر است؟ پیامبر صلی الله علیه وآله پاسخ دادند: آتَتْ حَمَلَتُهُ بَيْنَ الْجَنَبَيْنِو أَرْضَعَتْهُ بَيْنَ الشَّدَيْنِ وَ حَضَنْتَهُ عَلَى الْفَخِذَيْنِ وَ قَدَّتْهُ بِالْيَدَيْنِ. (نوری، ۱۴۰۸هـ، ج ۲، ص ۶۲۸)

یعنی: کسی که فرزند را میان دو پهلویش حمل کرده و از دو پستانش به او شیر داده و او را روی دو زانویش نشانیده و با دو دست خود به او کمک کرده و در راه او فداکاری کرده است.

همچنین جفا به مادر و نارضایتی او در زندگی دنیوی و اخروی هر شخص تأثیر سوء دارد. در این باب هم به ذکر روایات و داستان هایی از کتاب برای تمام خانواده ها می پردازیم:

یکی از طلاب اصفهانی می گوید: زمانی برای خودسازی و تزکیه نفس، چند ماهی به مشهد مقدس مسافرت نمودم. روزی خدمت آیت الله بهجت رحمه الله علیه رسیدم. ایشان بدون اینکه سوال کنم فرمود: آقا خود سازی به این شکل فایده ندارد. بروید به اصفهان و مادران را خشنود کنید. گفتم نمی شود، کمی با ایشان بحث کردم. وقتی از خدمتشان مرخص شدم در این فکر فرو رفتم که بنده در این مورد با ایشان سخنی نگفته بودم. پس ایشان از کجا دانست؟ سپس برگشتم و معذرت خواهی کردم. (فریادگر توحید از رهنمود های آیت الله بهجت رحمه الله علیه، ص ۲۱۰)

آقای سید اسماعیل گوهری در کتاب ارزش پدر و مادر چنین فرموده: مردی در خراسان شغلش رانندگی بود و وضع مالی بسیار بدی داشت. دیدم که با اتومبیل تصادف کرده و ضرر زیادی به او رسیده است. از او سوال کردم، آهی کشید و گفت: تمام این نکبت و بدبختی من از نفرین مادر است. من یکی از سرمایه یه داران مشهد بودم. از بس ثروتم زیاد شده بود خودم را گم کرده بودم و ثروت موجب مستی و غرور من شده بود. در مدت

کوتاه با چند دوشیزه پیمان همسری بستم و پس از مدتی طلاق دادم. زن دوم که گرفتم مدتی گذشت تصمیم گرفتم او را طلاق دهم. مادرم با طلاق دادن او مخالفت کرد و مرا سرزنش کرد. من هم بخاطر این سرزنش مادرم را کتک مفصلی زدم. به او گفتم: تو به کار من دخالت می کنی؟ و مرا نفرین کرد. همان شب خواب دیدم که تمام بدنم شپش گرفته است. وحشت زده از خواب پریدم. صبح که بیدار شدم به من خبر دادند که کشتی ای که از خارج کشور به سوی ایران می آمد و تمام اموالش مربوط به من بود غرق شده است. تا ظهر تمام کسانی که از من طلب داشتند آمدند و تسویه کردند به طوری که به نان شبم محتاج شدم. بعد از آن یک اتومبیل سواری کهنه را بازحمت خریدم تا بتوانم زندگی خود را اداره کنم. اما نفرین مادر مرا رها نکرد. این همه ماشین داخل خیابان است اما تانکر آب روی ماشین من افتاد و خسارت زیادی به من وارد کرد. (محسن قاسمی، حدیث مهرمادر، ص ۵۴)

نتیجه گیری

طبیعت زن باید به گونه ای تجهیز شده باشد که دوران بارداری، شیردهی و نگهداری از کودک را از بهترین دوره های زندگی خود بداند و اگر از زمینه مساعد روانی با آنچه اندامش برای آن پی ریزی شده است برخوردار نباشد، نمی تواند از عهده این مسئولیت برآید. (جوادی آملی، خانواده متعادل، ص ۴۷)

اگر مادران کودکان خود را امروز با ایمان، درستکار، شجاع، بلندهمت، خوش اخلاق، خیرخواه، خدمت گزار، بردبار، ظلم ستیز، استکبار ستیز، عدالت خواه، حق طلب، امین، متفکر، راستگو و صریح اللهجه تربیت کنند، فردا با همین صفات عالی در جامعه ظاهر خواهند شد و جامعه ای با این مزایا به وجود خواهد آمد و فضای جامعه را فضای بهشت خواهد ساخت و اگر به عکس مادران در نتیجه ضعف ایمان و یا جهل و بی سواد و بی دانستن فن و رموز تربیت صحیح و یا اهمال کاری، فرزندانی را تربیت کنند که بداخلاق، دروغگو، ترسو، ستمگر، کوتاه فکر، بی اراده، توسری خور، متملق، خودخواه، نادان، پول پرست و بی تقوا باشند، فردای جامعه، جامعه ای فاسد و منحط خواهد بود. بسیاری از خوی و خصلت های خوب که هم اکنون در افرادی از جامعه می بینیم و یا با خود و خصلت های ناپسند برخی اشخاص مواجه می شویم، این ها ریشه در اخلاق و تربیت مادر دارد که از دوران کودکی در وجود آن ها نهادینه شده است. (مطهری، ۱۳۴۵ه.ش، ص ۴۵۴)

آیات قرآن بر حق شناسی از والدین دو قسم است: آیات حق شناسی مشترک از پدر و مادر و آیات مخصوص حق شناسی مادر. وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ. (بقره/۲۳۳). اما هنگام تجلیل و بیان زحمات، تنها نام مادر را ذکر می کند. (جوادی آملی، زن در آیینه جلال و جمال، ص ۱۳۶)

فهرست منابع

۱. جوادى آملی، عبدالله، (۱۳۹۳هـ.ش). خانواده متعادل ، قم: انتشارات اسراء .
۲. جوادى آملی، عبدالله، (۱۳۷۸هـ.ش). زن در آيينه جلال و جمال ، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسراء .
۳. جوادى آملی، عبدالله، (۱۳۹۵هـ.ش). مفاتيح الحياه ، چاپ ۱۹۷، قم: انتشارات اسراء .
۴. قرائتى، محسن، (۱۳۸۹هـ.ش). تفسير نور، چاپ چهارم، مرکز فرهنگى درس‌هاىي از قرآن .
۵. آرام، احمد، (۱۳۷۸ هـ.ش). ترجمه تفسير هدايت ، جلد ۱۳، انتشارات آستان قدس رضوى .
۶. موسوى همدانى، سيد محمد باقر، ترجمه تفسير الميزان، جلد ۱۸، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علميه قم
۷. نوری همدانى، حسين، (۱۳۸۴هـ.ش). جاىگاه بانوان در اسلام، چاپ چهارم، انتشارات مهدى موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف .
۸. خامنه‌ای، سيد محمد، (۱۳۷۵هـ.ش). حقوق زن، چاپ دوم، انتشارات علمى فرهنگى .
۹. حسینی زاده، سيد علی، (۱۳۹۳هـ.ش)، تربيت فرزند، چاپ ۱۲، جلد اول، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه .
۱۰. باقرى طاقانکی، ناصرى، (۱۳۸۶هـ.ش)، برای تمام خانواده‌ها، چاپ دوم، انتشارات نصاب .